

اندر مصائب مترجم بودن در دولت ایران

ترجمه جمهوری اسلامی‌پسند،
«اندر مصائب ترجمه در ایران»

احمد هاشمی

iran-emrooz.net | Thu, 06.09.2012, 16:07



حرفه مترجمی از جمله مشاغلی است که همزمان با گسترش ارتباطات بین جوامع بشری و بویژه پس از آغاز دوران باز رستاخیز و رنسانس در اروپا، توسعه فزاینده‌ای پیدا نموده و در قرون و دهه‌های اخیر شعبه‌ها و زیرشاخه‌های تخصصی متعددی بر آن افزوده شده و جایگاه خود را در میان مشاغل حساس و کلیدی تحکیم نموده است به طوریکه در دنیای امروز تصور جهانی بدون این حرفه امری غیرممکن می‌نماید. بر طبق رتبه بندی بین المللی سختی مشاغل، مترجمی از جمله مشاغل سخت، سنگین و پراسترس به حساب می‌آید که به همین دلیل، شاغلان در این حرفه مشمول برخی امتیازات از قبیل بازنشستگی زودهنگام می‌شوند. ولی شرایط حاکم بر ایران و ویژگی‌های حکمرانان کنونی آن این پیچیدگی، اضطراب و سختی را مضاعف و دوچندان می‌نماید که در این مجال اختصاراً به این پیچیدگی‌ها پرداخته خواهد شد.

ویژگی‌های ترجمه جمهوری اسلامی پسند

به عنوان مترجم وزارت خارجه جمهوری اسلامی که چند سالی در امر ترجمه به زبانهای انگلیسی و ترکی استانبولی برای دولتمردان و مسئولین را در پرونده کاری خود دارد مایلیم به گوشه‌ای از مصائب و مشکلات مضاعفی که افراد دخیل در امر ترجمه با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند اشاره کنم. در مترجمی از نوع جمهوری اسلامی آن، یک چارچوب متصلب و مجموعه قوانین نانوشته‌ای وجود دارد که مترجمان در حین کار آنها را یاد گرفته، بدانها خو گرفته و ملکه ذهن خود نموده‌اند و آنها را در عمل به طور ناخودآگاه و غیر ارادی اعمال می‌کنند که ذیلاً به چندی از آنها می‌پردازم:

آزاداندیشترین در دستگاه دیپلماسی

بدور از هر گونه پیشداوری، لازم می‌دانم قبل از هر چیز اشاره کنم که همکاران اداره ترجمه از لیبرالترین، شریفترین و آزاداندیشترین کارمندان وزارت خارجه جمهوری اسلامی هستند و برای اینکه همکاران و مسئولین آن بخش از وزارتخانه مورد آزار و اذیت احتمالی مسئولین واقع نشوند در این نوشتار، از ذکر جزئیات، مصداق و مثال معذور خواهم بود ولی بطور کلی می‌توانم بگویم که آنها به شدت تحت فشار هستند تا قلب واقعیت کنند و ترجمه جمهوری اسلامی پسند (اصطلاحی که در بین همکاران رایج است) ارائه کنند و همچنان که ورزشکاران صلح دوستان که مجبور می‌شوند از رقابت در مقابل همتایان اسرائیلی‌شان امتناع کنند مترجمان هم در این دیار، آزادی عمل ندارند.



ایدئولوژیک بودن

همانند تمامی رژیم‌های حکومتی خودکامه، شخص‌محور و ایدئولوژیک، در ساختار جمهوری اسلامی، امر ترجمه و شخص مترجم نیز بسان تمامی امور دیگر، نمی‌تواند عاری از بار ایدئولوژیک و یا به اصطلاح مکتبی باشد و همیشه این تعهد است که بر تخصص چیرگی و دست بالا را داشته و در صورت نیاز و ضرورت می‌توان تخصص را در قربانگاه تعهد قربانی نموده و به مسلخ کشید. به عنوان مثال اگر در یک سخنرانی در یک اجلاس به اصطلاح بین‌المللی در تهران یک مدعو از کشور زامبیا، گامبیا و یا گینه بیسائو، که با ادبیات سیاسی حاکم بر ایران آشنایی ندارد و یا به هر دلیلی مایل است واژه "اسرائیل" را - ولو برای محکومیت آن کشور- به زبان بیاورد این واژه می‌باید به عنوان غده سرطانی خاورمیانه، فلسطین اشغالی، رژیم اشغال‌گر قدس، رژیم غاصب و اشغال‌گر قدس، رژیم سفاک و خون آشام صهیونیستی و از این قبیل ترجمه شود. به عبارتی تا مادامی که خود واژه اسرائیل را بکار نبرده باشیم در ترجمه و حتی تفسیر و تاویل این واژه، آزادی تام و تمام داریم. مثال دیگر اصطلاح "بهار عربی" است که از جمله واژگان ممنوعه در قاموس جمهوری اسلامی است و بنده شخصا به یاد دارم که از بکار بردن این واژه اکیدا منع شدم. "بیداری اسلامی" اصطلاحی است که بجای واژه مصطلح و شناخته شده "بهار عربی" بکار می‌رود.

کنار گذاشتن اصل امانت در ترجمه

در دستگاه جمهوری اسلامی، امانت داری در ترجمه را باید به بوته فراموشی سپرد. همچنانکه در بند بالا اشاره شد در یک حکومت ایدئولوژیک ترجمه نیز باید ایدئولوژیک و مکتبی باشد. بنابراین نمی‌توان به امانت داری و دقت در ترجمه توجه و اهتمام نمود. مثلا اگر در یک منبع غربی در مورد طالبان و یا القاعده اصطلاح تروریست بکار برده می‌شود به عنوان مترجم مکتبی و ارزشی باید آن را به شورشیان یا گروه

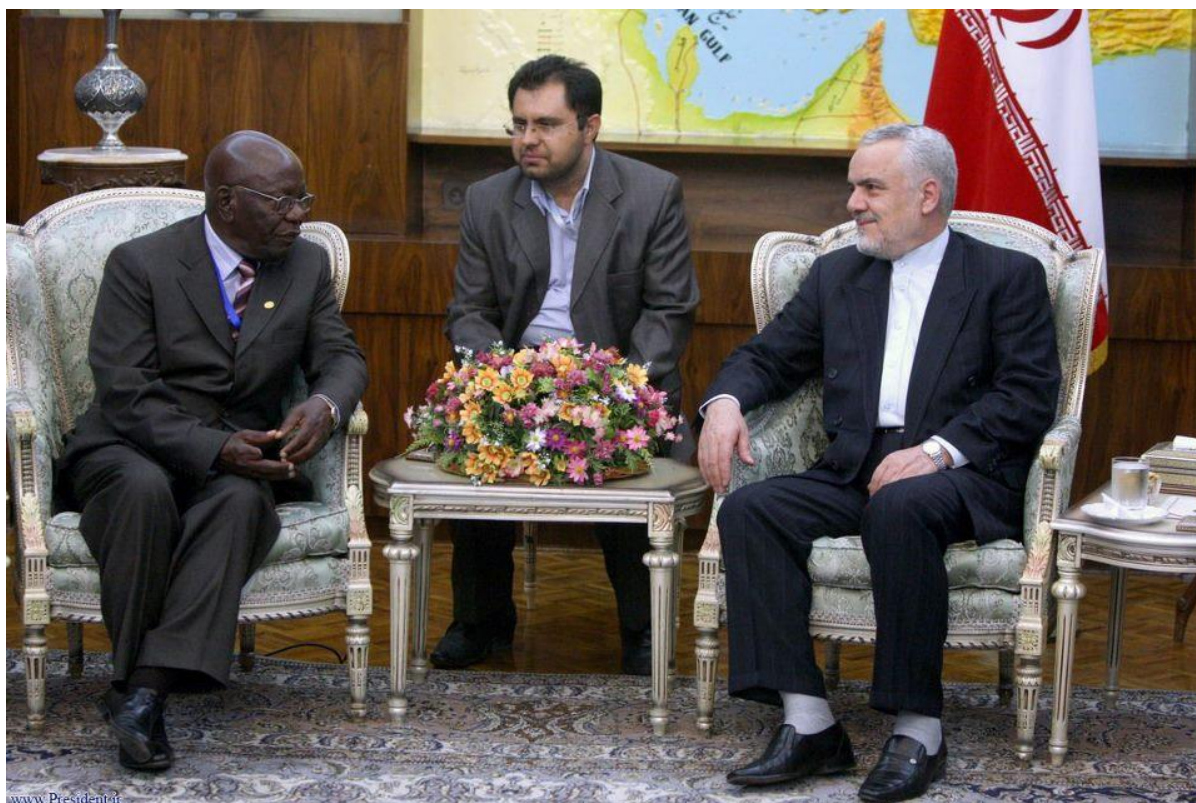
القاعده یا شبه‌نظامیان طالبان تبدیل و ترجمه کنیم و یا تکلیف شرعی و قانونی و مکتبی ما ایجاب می‌کند از دولت فلسطین به مرکزیت رام الله به اسم گروه فتح و از حماس به عنوان دولت قانونی فلسطین نام ببریم.

اطلاع رسانی

اغلب در جلسات ترجمه مواردی پیش می‌آید که مترجم باید اطلاع‌رسانی کند یعنی در حین جلسه مثلا وزیر جهاد کشاورزی در مورد موقعیت جغرافیایی و جمعیت و مذهب یک کشور می‌پرسد که مترجم می‌باید به اطلاع همایونی وزیر محترم برساند.

اضافه کردن جملات مربوط به مبادی آداب دیپلماتیک

بعضا مترجم باید از خودش مطالبی را به صحبت‌های مقام مورد نظر یا سخنران ایرانی اضافه کند و صحبت کردن و سخنرانی آخرین کاری است که برخی از مسئولین به آن آشنایی دارند. به عنوان مثال وزیر نفت آقای رستم قاسمی - با وجود اینکه مشاور بین‌الملل ایشان در جریان دیدارهایش کاملا به او کمک می‌کند و جملات آماده تحویل او می‌دهد تا به زبان بیاورد و مطالب را به سان دانش‌آموزی که با تقلب و رساندن مطلب می‌خواهد نمره قبولی دریافت کند به او می‌رساند - ولی همین وزیر به عنوان مثال در پایان دیدار وزیر خارجه غنا از به زبان آوردن جملات کلیشه‌ای و اصطلاحات رایج در جهان دیپلماسی از قبیل "از آشنایی با شما خرسند شدم" و یا "امیدوارم شاهد گسترش روزافزون روابط دوستانه دو کشور باشیم" عاجز بود و به هیچ عنوان آشنایی هرچند اندکی با اصول و مبادی آداب عمومی و اصول دیپلماتیک ندارد و بسیار عامیانه و زخمت و به اصطلاح چاله میدانی صحبت می‌کند که مترجم در حد امکان مجبور به افزودن جملات زیبا و تعدیل آن سخنان است.



ترجمه ناپذیری:

شاید برای دیگرانی که از بیرون به این حرفه نگاه می‌کنند واژه "ترجمه ناپذیری" کمی بیگانه و عجیب به نظر بیاید ولی برخی از مفاهیم و اصطلاحات و واژگان ابداعی جمهوری اسلامی به سختی قابل ترجمه هستند که ما در اداره ترجمه با کمک پیشکسوتها می‌توانستیم با رایزنی و همفکری فشرده، معادل تقریباً نزدیکی برای آنها پیدا کنیم. "ولایت پذیری"، "ارزش مداری"، "بصیرت‌ورزی یا بصیرت‌افزایی"، و "آن ممه را لولو برد" تنها چند نمونه از تعابیر ترجمه ناپذیر است.

مترجم همیشه مقصر

همیشه مترجم دیوارش کوتاه‌ترین است که می‌توان او را هم در عزا و هم در عروسی قربانی نمود مثلاً عباراتی از قبیل "مترجم بد ترجمه کرد" و یا "به خاطر مصالح نظام نباید این مطلب را ترجمه می‌کرد" و "اشکال از ترجمه است" و موارد مشابه دیگر بسیار رایج است. حتی در برخی نهادها برخی از مسئولین به مترجم تذکر می‌دهند که ترجمه‌گزینشی، اصلاح شده و فیلتر شده‌ای از سخنان یک مقام (مورد وزیر مسکن و شهرسازی) داشته باشد تا از سوء تفاهمات احتمالی جلوگیری شود.

تناقض ترجمه آزاد

مسئولین اداره ترجمه وزارت خارجه در جلسات خودمانی و صمیمی، تاکید زیادی بر ترجمه اصلاح شده دارند و مکرر گفته می‌شود که اظهارات سخنران مرتب و جفت‌وجور گردیده و جملات معنی‌دار، به هم پیوسته و منسجم و ویرایش شده از سخنان آنها ایجاد و ترجمه شود.

ترجمه با چاشنی تملق

مترجم در جمهوری اسلامی باید مطالب را طوری ترجمه کند که به مذاق مقام مسئول خوش بیاید وگرنه گفته خواهد شد که فلان مترجم دیگر برای ترجمه‌های بعدی نیاید. بیشتر چاپلوسی و تملق خواسته می‌شود تا کار دقیق، این امر بویژه در مورد شخص رئیس جمهور مصداق دارد. همچنین اگر میهمانی خارجی رهبر ایران را صرفاً رهبر خطاب نماید وظیفه یک مترجم مکتبی و انقلابی این است که او را مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین جهان معرفی نماید.

تاویل در ترجمه

معمولاً مقامات و مسئولین جمهوری اسلامی ترجمه صورت گرفته را به قول خودشان تاویل و تفسیر می‌کنند و به آن حالتی که مصلحت بدانند در می‌آورند تا معنی مورد نظر آنها استنباط شود. مثلاً اگر در صداوسیما از فلان مقام گامیابی شرکت کننده در مراسم سالگرد ارتحال «امام خمینی» پرسیده شود که چرا در مراسم ارتحال حضور پیدا کرده‌ای و او پاسخ دهد که توسط سفارت ایران در بانجول برای شرکت در مراسم دعوت شدم و هزینه اقامت و بلیت رفت و برگشت و تور ایرانگردی من توسط دولت ایران پرداخت شد و البته امام را هم دوست دارم در این حالت قسمت اول مصاحبه کاملاً حذف و در عوض در قسمت دوم که این مهمان به دوست داشتن «امام خمینی» اشاره می‌کند به تفسیر و توضیح و تاویل کردن و به قول فرنگی‌ها به paraphrase کردن می‌پردازند.



ویرایش و تصحیح

یکی از کارکردهای مترجم از نوع ایرانی آن اصلاح و تصحیح اشتباهات بعضا فاحش مقامات است. مثلا معاون اول رئیس جمهور آقای رحیمی در زمینه موضوعات بین‌المللی دارای اطلاعات بسیار محدودی بوده و معمولا مرتکب اشتباهات فاحشی می‌شود که اینجانب در چندین مورد اشتباهات ایشان را به شکل اصلاح شده و پس از گذراندن از صافی، ترجمه کرده‌ام. به طور مشخص، یکی از اشتباهات فاحش ایشان تلقی کردن فیدل کاسترو به عنوان رهبر کشور دوست و برادر سنت وینسنت بود که تا حد ممکن سعی در اصلاح ترجمه کردم.

وصله پینه کردن

سخنرانی و اظهارات برخی از مسئولین به گونه‌ای است که به تعبیر همکاران، نیاز به وصله پینه کردن اظهارات آنها داریم چون در برخی موارد گنگ و مبهم و نامفهوم می‌شود و معنای معقول و منطقی از آن سخنان استنباط نمی‌شود. در این مورد می‌توان به شیوه سخنرانی آقای لاریجانی رئیس مجلس و منوچهر متکی رئیس سابق دستگاه دیپلماسی اشاره کرد.

نتیجه‌گیری:

ترسیم آرمانشهر، بر زبان آوردن دروغهای فاحش و دادن وعده‌های غیرعملی و ریا و نفاق از بنیانها و مولفه‌های اصلی تشکیل دهنده رژیمهای خودکامه و توده‌گرا می‌باشد. رژیم حاکم بر ایران نیز همچون همتایان خود از قبیل کره شمالی، اریتره، ونزوئلا و... نیاز مبرمی به بهره برداری از این حربه و مکانیزم دارد و دوام و بقای خود را در گروی آن می‌بیند. وعده‌های آیت‌الله خمینی در زمینه اصلاح امور، ارزانی

نمودن بهشت بر آنان و رایگان نمودن آب و برق و اظهارات محمود احمدی‌نژاد در زمینه آوردن پول نفت بر سر سفره‌ها، کوروش‌مآبی، مدیریت بر جهان و همکاری و ارتباط‌گیری مستمر با امام دوازدهم شیعیان تنها چند نمونه در این زمینه است. از آنجایی که رژیم نیازمند تهیه شعار، سخنان بزرگ و لی بی‌پشتوانه و خوراک تبلیغاتی برای کارآمدی و موفق نشان دادن خود به منظور تامین بقا و مشروعیتش می‌باشد ترجمه هم‌جهت، هماهنگ و همراستا از جمله ابزارهایی است که رژیم در نبود رسانه‌های آزاد و مستقل، بطور گسترده‌ای از آن بهره‌برداری می‌نماید تا مانع از افول موج توده‌گرایی و توده‌فریبی در جامعه - که محل ارتزاق رژیم و موجب دوام و قوام خود است - گردد.

منبع:

http://ahmaddhashemi.blogspot.com/2012/09/blog-post_7202.html

احمد هاشمی کارمند و مترجم سابق وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بوده و هم اکنون به عنوان روزنامه‌نگار مستقل فعالیت می‌کند.

ترجمه سخنان مرسی، اشتباه یا تحریف قاعده‌مند؟

احمد هاشمی

تحریف و تغییر عمدانه سخنان رئیس جمهور مصر توسط یکی از به اصطلاح دیپلمات‌های صدا و سیمای تحت انحصار آقای ضرغامی در اجلاس غیر متعهد و متعاقبا برخی تلاشها برای توجیه و تقلیل پیامدهای آن، واکنشهایی را در داخل و اعتراضهایی در سطح بین‌المللی به همراه داشت. در داخل عده‌ای این وارونگی و تحریف را ابتکار شخصی مترجم برای صلاح نظام و انقلاب و دیگرانی آنرا کاری بدور از اخلاق و عقلانیت دانستند. احضار کاردار ایران در بحرین توسط وزارت خارجه آن کشور و تکذیب بخشی از ترجمه مربوط به محمد مرسی توسط سخنگوی رسمی وزارت خارجه مصر از جمله اعتراضات و پیامدهای بین‌المللی این رویداد بود.

به عنوان مترجم وزارت خارجه که چند سالی ترجمه در زبانهای انگلیسی و ترکی استانبولی برای دولتمردان جمهوری اسلامی، از خرد تا کلان را در پرونده کاری خود دارد مایلیم به چند نکته‌ای پیرامون این ترجمه تامل برانگیز اشاره کنم.

بیش و پیش از هر چیزی باید اشاره کرد که از نظر فنی ترجمه اشتباه یا اشتباه در ترجمه، بویژه خطای در ترجمه همزمان یا همان **Simultaneous Interpretation** امری است که حتی مترجمان پیشکسوت و باسابقه را هم گریز و گزیری از آن نیست و می‌تواند به کج فهمی‌ها و سوء تفاهماتی در مناسبات دو کشور و چه بسا در عرصه روابط بین‌الملل منجر شود. ولی در مورد تحریف سخنان محمد مرسی نباید فراموش شود که احتمال وقوع هر گونه اشتباهی توسط مترجم کاملا منتفی است و آنچه ضرغامی می‌گوید که "ایراد

تنها در یک مورد ترجمه نام سوریه به بحرین" بوده سفسطه و مغالطه‌ای توسط مقامات جمهوری اسلامی است که در آن چندین دروغ بزرگ مستتر می‌باشد. چه، مشکلات ترجمه سخنرانی افتتاحیه رئیس کشور فراغنه باستان به نام این دو کشور بحرین و محدود نشده و اختصارا عبارتند از:

۱. مطلبی که علیه بشار اسد بوده به نفع او ترجمه شد؛
۲. بخشهایی از سخنرانی مرسی ترجمه نشد؛
۳. از "بهار عربی" به "بیداری اسلامی" تعبیر شد که این دو اصطلاح دارای بار معنایی و خاستگاه و آبخور فکری کاملاً متفاوتی هستند؛
۴. مرسی سخن از برکناری بشار اسد بر زبان راند ولی این سخنان به عنوان حمایت از او ترجمه شد؛
۵. ملت یا همان "شعب مصر" دانشجویان مصری ترجمه شد؛
۶. "انقلاب" سوریه "فتنه" ترجمه شد؛
۷. درود مرسی به خلفای ثلاثه اصلاً ترجمه نشد؛
۸. بطور کلی در اینجا موضوع اشتباه لفظی و معنایی مطرح نیست بلکه بحث ترجمه گزینشی و تحریف و قلب معنا و وارونگی مطرح است و باید به این امر توجه داشت که اساساً اشتباهی در ترجمه رخ نداده است. بنابراین، همچنانکه اندیشمندی می‌گوید: بزرگترین دروغ، گفتن فقط بخشی از حقیقت است یعنی کتمان کردن بخش دیگر و این دروغ بزرگ و به اصطلاح از نوع گویلیزی آن را نمی‌توان اشتباه مترجم نامید. البته مترجم می‌تواند اشتباه کند ولی نه در حدی که روز را شب و شب را روز، له را علیه و علیه را له و موافقت را مخالفت ترجمه کند. کاملاً واضح است که تعمداً در کار بوده و نحوه ترجمه، هماهنگ و سازمانده‌ی شده بود.

نباید از نظر دور داشت که در جمهوری اسلامی و بویژه اداره ترجمه وزارت خارجه چارچوب و قوانین نانوشته‌ای وجود دارد که مترجمان در حین کار آنها را فرا گرفته و به رعایت آنها خو کرده‌اند و جایگزین کردن نام سوریه با بحرین، در این چارچوب قابل بررسی است و نه با بهانه مضحک اشتباه مترجم. در حالیکه مرسی بر برکناری دولت جنایتکار بشار اسد تأکید دارد سخنانش به این شکل ترجمه می‌شود که "حکومت سوریه مردمی است و باید باقی بماند" و این یعنی قلب صدرصدی واقعیت و نمی‌تواند اشتباه لفظی یا معنایی مترجم باشد. چه، برکناری با ایفا دو مقوله متضاد هستند و چون در مقابل هم هستند قابلیت اشتباه‌پذیری ندارند همچنانکه در یادگیری یک زبان خارجی برای بهتر به خاطر سپردن یک لغت، واژه متضاد آن آموزش داده می‌شود. بنابراین در این میان متولیان امر را باید مقصر دانست و نه مترجم را که زیر فشار و استرس و تحت تاثیر القانات و آموزه‌های قبلی دست به چنین ترجمه‌ای می‌زند.

نکته دیگر اینکه نام دو کشور سوریه و بحرین در زبانهای انگلیسی، عربی و فارسی و تقریباً در همه زبانهای اصلی و به اصطلاح زنده جهان به شکل یکسان و مشابهی تلفظ می‌شوند. مثلاً بر خلاف نام مصر که در انگلیسی (ایجپت) و فارسی (مصر) متفاوت تلفظ می‌شوند و یا نام کشور آلبانی و مراکش که مثلاً در زبان ترکی استانبولی به ترتیب آرناو و تلوک و فاس نامیده می‌شوند نام کشورهای سوریه و بحرین (که اساساً محمد مرسی هیچ صحبتی از این شیخ نشین نکرده بود) در زبان فارسی هم به مانند دیگر زبانها تلفظ شده و جایی برای اشتباه وجود ندارد. در نتیجه، با کمک گرفتن از تجربیات شخصی خود می‌توانم چنین نتیجه‌گیری کنم که تردیدی در اینکه مترجم تحت فشار عوامل محیطی و کاری بوده تا ترجمه وارونه و

تحریر شده‌ای ارائه دهد وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت که این القائات و فشارهای موجود، موثر واقع شده و در این ترجمه کارگر افتاده است.

از آنجایی که اصولاً جمهوری اسلامی بر مبنای دروغ و ریا و یا به تعبیر سردمداران و زعمای آن بر اصولی از قبیل تقیه و مصلحت و منفعت بنا شده است و بخاطر حفظ آن مصالح و منافع نظام می‌توان در نوفل لوشاتو وعده‌هایی به مردم داد و سپس خلف وعده کرد، حلالها را حرام و حرامها را حلال کرد، به زندانیان سیاسی تجاوز کرد، مرتکب قتل شد، اصول دین را تعطیل کرد، فعالان سیاسی را به چوبه دار بست و احزاب مخالف را به گورستان دسته جمعی خاوران سپرد، و خیلی از اقدامات دیگر مرتکب شد طبیعتاً حذف و تغییر سخنان مرسی در این چارچوب، به هیچ عنوان، نمی‌تواند امر غیرطبیعی و نامحتملی قلمداد شود.

منبع:

http://ahmaddhashemi.blogspot.com/2012/09/blog-post_6.html

http://ahmaddhashemi.blogspot.com/2012/09/blog-post_7202.html

منتشر شده در

ایران امروز، رادیو کوچه، جرس، بامداد خبر، انقلاب اسلامی، فرهنگ ایران، یارس دیلی نیوز، تهران ریویو و شهرگان
<http://www.rahesabz.net/story/58591/>

<http://www.iran-emrooz.net/index.php/politic/more/40241/>

<http://radiokoocheh.com/article/177815>